

ادامه از صفحه اول

#### چهره عناد در شاهنامه

... و دقایق به سرخوشی و شادی به گفت‌وگو می‌ایستند و یکدیگر را ستایش می‌کنند و فرود از بهرام می‌خواهد که فرماندهان سپاه را به دژ دعوت کند، تا او نیز به آنان بپیوندد و با آنان در کین جویی پدر همراه شود.بهرام می‌گوید: «پیام تو را به توس خواهیم رساند، اما توس انسان بی‌خری است و اگر بعد از بازگشت من، فرد دیگری ن‌زد تو آید، بدان که برای گفتن درود نیامده است».بهرام چون به نزد توس بازمی‌گردد، با شادمانی می‌گوید: «آن جوانی که بر فراز کوه است، کسی جز فرود، برادر شهیار جوانمان، خسرو نیست و او ما را به دژ فراخوانده به شادنوشی و این گرز زین را نیز به عنوان هدیه تقدیم فرمانده سپاه، توس پهلوان کرده است».توس لجوج و عنود با خشم به بهرام می‌گوید: «من به تو گفتم او را با تازیانه بر سر زنی و به نزد من آوری، اگر او شهیار است، پس من که هستم، چگونه یک ترک‌زاده مانند زاغی سپاه، راه سپاه مرا بسته است. از این کودرزیان کاری بر نمی‌آید، مگر آنکه به سپاه ایران آسیب وارد کنند».بهرام در پاسخ می‌گوید: «ای پهلوان، بی‌سبب خشم میگیر و از خاوند بترس و از شاه ایران شرم کن که فرود برادر اوست و اگر سپاهی از ایران به نبرد او برود، گشته خواهد شد».بهرام به قشونی که توس سودای فرستادن آنان برای یادداشت و به‌بندکشدن فرود را دارند، می‌گوید: «از این کار خویش شرم کنید که او فرزند سیاوش است و برادر شهیار ایران‌زمین؛ می‌خواهید چه کنید؟» و آنان از رفتن بازمی‌مانند ولی ربو، داساد، توس برای گرم‌کردن بازار، خویش اظهار می‌دارد که می‌رود و هر دوی ایشان را به بند کشیده، با خود می‌آورد و چون به فرود نزدیک می‌شود، کمان را به زه کرده، آن دو را آماج تیرهای خود می‌گرداند و فرود پیش از او، داغی بر دل توس و دخت او می‌گذارد. با کشته‌شدن ربو، توس چندین فرمانده خود را یک به یک می‌فرستد و فرود با خود آنان و با اسبشان با هدف می‌گیرد و بانوانی که در دژ زندگی می‌کردند، با کشته‌شدن یا ناکام‌ماندن فرماندهان سپاه ایران، فریاد شادی سر می‌دهند که خشم سپاه ایران را برمی‌انگیزد. سرانجام بعد از ناکام‌ماندن توس و گیو و ددها پهلوان دیگر، بیزن زره سیاوش را می‌پوشد و بر اسبی تیزک می‌نشیند. اما فرود، اسب او را هدف می‌گیرد و اسب بر زمین فرومی‌غلند و بیزن استوار از اسب فرو می‌جهد و شمشیربه‌دست به سوی فرود می‌شتابد. فرود تیری دیگر به سوی بیزن می‌افکند و بیزن سیر بر سر می‌کشد و تیر در میانه سیر می‌نشیند. فرود چون بیزن را در برابر خویش می‌بیند، به او پشت می‌کند تا به دژ بازگردد. بیزن تیغ فرود می‌آورد و زره فرود را از پشت می‌شکافد و اسبش را نیز مجروح می‌کند، اسب بر زمین فرومی‌غلند و فرود به هر ترتیب شده، خود را به دژ می‌رساند و نگهبانان با شتاب بر دژ را می‌بندند، زنان از فراز باره دژ بیزن را تسنگ‌باران می‌کنند و بیزن ناگزیر به نزد توس بازمی‌گردد. توس با ازدست‌دادن چندین سردارش آنچنان خشمگین است که دیگر به کیخسرو نمی‌اندیشد و از سر لجاج و عناد سوگند می‌خورد: «این دژ را با خاک یکسان خواهم کرد.» نیمه‌شبان جریره، مادر فرود و همسر سیاوش خوابی هولناک می‌بیند که دژ سید کوه در آتش می‌سوزد و چون از فراز باره می‌نگرد، دژ را در محاصره سپاه ایران می‌بیند، نزد فرود رفته، او را بیدار می‌کند و او محاصره دژ سخن می‌گوید و فرود می‌داند که روزگار او سیری سر رسید، فرود تصمیم می‌گیرد در مبارزه جان سپارد تا آنکه چون گوسند سر او را بُرند و چون خورشید در آسمان ظاهر می‌شود و زمین و زمان روشنی می‌گیرد، فرود با هزار سپاهی ترک به میان سپاه ایران می‌زند و قبل از آنکه آفتاب به میانه آسمان رسد، از سپاه ترک جز اندکی به جای نمی‌ماند و فرود به ناگزیر راه بازگشت به دژ را در پیش می‌گیرد. رهام و بیزن در راه بازگشت فرود کمین کرده بودند و چون فرود، کلاهخود بیزن را می‌بیند، شمشیر برمی‌کشد تا به مقابله با بیزن بپردازد ولی بیزن با ضربتی بر کتف او، دست فرود را به زیر می‌آورد و فرود با فریادی شتابان به سوی دژ می‌تازد ولی بیزن اسب او را پی می‌کند با این حال فرود خود را به دژ می‌افکند و در را می‌بندند. فرود را بر تختی می‌خوابانند و زنان زاری می‌دارند و می‌دانند که ایرانیان به زودی دژ را ویران و همه گنج‌های آن را فراچنگ خواهند گرفت. و چون جریره فرزند خویش را باخته روان می‌بیند، فرمان می‌دهد همه اسبان را پی کنند و تمامی خواسته دژ را در آتش بسوزانند و سپس به بالین فرود آمده و چهره خود را بر چهره فرود می‌نهد و دشنه برمی‌کشد و شکم خود را بر درد و همه زنان دژ نیز چنین می‌کنند و چون ایرانیان در دژ می‌کشایند، دژ را در آتش سوخته می‌بینند. بهرام دل‌آزده، توس را خطاب قرار داده، می‌گوید: «حداقل کشنده سیاوش ایرانی نبود، حال آنکه ما چاکران شاه، برادر شهیارمان و فرزند محبوب‌ترین ایرانی را به قتل رساندیم. شرم‌انام باد».چون توس، رهام را می‌بیند که زانوی غم در آغوش گرفته، می‌گیرد و جریره را بر پیکر بی‌جان فرزند خویش دریده‌شکم می‌بیند، چهره‌اش به زردی می‌گراید. گودرز با مشاهده آن خونین‌پیکران سخت خشمگین شده،، توس را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: «آنکه بر این تخت مرگ آرمیده، فرزند سیاوش است و با بی‌خردی تو، این پیکرها به خون آغشته‌گشته».

چنین گفت گودرز با توس و گیو/ همان نامداران و گردان نیو/ که ندی نه کار سپهبد بود/ سپهبد که ندی کند، بد بود / از تیزی گرفتار شد زوین/ز نبود از بد بخت ما مانده چیز/ هنر بی‌خرد در دل مرد تند/ چو تبیعی که گردد ز زنگار کند.

شرق: ۲۰ سال از حمله به کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۷۸ گذشت؛ اتفاقی که آن شب در خیابان امیرآباد تهران اتفاق افتاد و فردای آن روز دانشگاه تهران، خیابان انقلاب و خیابان‌های اطراف آن را درگیر کرد. اما ماجرا فقط در این خیابان‌ها باقی نماند. سردار اسدالله ناصح، فرمانده وقت لشکر سیدالشهدا (ع) که آن سال برقراری امنیت تهران را برعهده داشت، در گفت‌وگو با تسنیم، روایت خود را از حرکت معترضان به خیابان جمهوری بیان کرده است؛ خیابانی که سردار رحیم‌صفوی، فرمانده سپاه وقت، آن را خط قرمز اعلام کرده بود.سردار ناصح، روایت خود را این‌گونه بیان می‌کند: «در سال ۷۸ پنده فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا بودم و در منطقه‌ای که اغتشاشات و آشوب‌ها صورت گرفت، منطقه امنیتی تحت کنترل ما بود، البته مسئولیت ما مستقیم نبود، چراکه نیروهای نظامی در امور امنیتی مأموریت مستقیم ندارند، مگر اینکه وضعیت قرمز شود و

ضرورت حضور ما به وجود آید. در تحصن‌هایی که در دانشگاه تهران صورت گرفت، شخصیت‌های سیاسی حضور پیدا کردند و در میان آنان سخنرانی کردند. تلاش آنها این بود که با آرامش فضا جمع شود، اما نشد».او در ادامه گفته: «وقتی که درگیری‌ها روه‌روی دانشگاه تهران شدت پیدا کرد و گروه‌هایی از مناطق مختلف مانند میدان‌های آزادی و فاطمی راه افتادند تا به سمت دانشگاه تهران بایند، به ما مأموریت داده شد که وارد عمل شویم. در این زمان دیگر وضعیت به حالت قرمز درآمده و آشوب‌ها خیلی جدی شده بود».سردار ناصحی مجاری خیابان جمهوری را این‌گونه بیان کرد: «جریان کوی دانشگاه و حوادث تیرماه یک‌باره اتفاق نیفتاد. جمعی در وزارت کشور تجمع کرده بودند. سخن آنان این بود که ما درخواست‌های صنفی داریم و رئیس‌جمهور باید به درخواست‌های صنفی ما پاسخ دهد. آقای تاج‌زاده (معاون سیاسی وقت وزیر‌کشور) برای آن جمع صحبت کرده و گفته بود بروید به رئیس‌جمهور مقرر ریاست‌جمهوری که در نزدیکی بیت رهبری قرار دارد، حرکت کردند. شعارهای آن جمعیت از زمانی که از وزارت کشور راه افتادند تا زمانی که به خیابان جمهوری رسیدند، تفاوت کاملی ی‌کرد. آن جمعی که در وزارت کشور حاکم بر جمع بودند شعارهای صنفی می‌دادند، اما از خیابان فلسطین که به سمت جمهوری پایین آمدند، شعارها علیه نظام و امنیت ملی و توهین به رئیس‌جمهور و رهبری تبدیل شد. این یعنی اینکه کسانی که سوار بر جوشدن کسانی دیگر و با تفکراتی دیگر بودند، او ادامه داد:

«هم‌زمان با حرکت آن افراد از وزارت کشور به سوی مقر ریاست‌جمهوری، جلسه شورای‌عالی امنیت ملی با حضور رئیس‌جمهور در حال برگزاری بود. در آن جلسه به رئیس‌جمهور خبر دادند که این جمع به سوی ریاست‌جمهوری در حال حرکت است. سرلشکر صفوی، فرمانده وقت سپاه و عضو شورای‌عالی امنیت ملی، در آن جلسه اعلام کرد که خیابان جمهوری خط قرمز ماست و هیچ‌کس حق ندارد از خیابان جمهوری پایین‌تر برود. به ما هم ابلاغ شد که مسیر ورودی به خیابان جمهوری بسته شود. نیروهای ما نیز مستقر شدند و مسیر را بستند. دفتر ریاست‌جمهوری به ریاست محمدعلی اب‌طحی باخبر می‌شود که فرمانده کل سپاه چنین دستوری به نیروهای خود اعلام کرده است. هم‌زمان با اطلاع‌یافتن دفتر ریاست‌جمهوری، در جمعیتی که به سوی خیابان جمهوری در حال حرکت بودند، ولوله‌ای افتاد که خیابان جمهوری خط قرمز اعلام شده است».سردار ناصحی با بیان اینکه خبر از جلسه شورای‌عالی امنیت ملی به معترضان درز پیدا کرده بود، گفت: «وقتی که به ما مأموریت داده شد تا وارد صحنه شویم، مسیر خیابان جمهوری را بستیم. همچنین نگذاشتیم گروه‌های دیگری که از دیگر نقاط مختلف تهران در حال حرکت بودند، به تجمع‌کنندگان اصلی برسند. در نهایت برخی از مهره‌های اصلی آشوب‌گران دستگیر شدند و باقی جمعیت را قانع کردیم تا متفرق شوند. مردم نیز به کمک ما آمدند».

**روایت سردار رحیم‌صفوی**

پیش‌تر نیز یحیی رحیم‌صفوی، فرمانده وقت سپاه در سال ۸۸، روایت خود درباره این ماجرا را به فارس

## سیاست

روایت فرمانده وقت لشکر سیدالشهدا از اتفاقات تیر ۷۸

# سردار صفوی گفت خیابان جمهوری خط قرمز ماست



گفته بود. او در پاسخ به این سؤال که شما به‌عنوان فرمانده کل سپاه پیغام دادید که آنها از یک خطی دیگر پایین نیایند یعنی نشان‌دهنده این است که آنها فتنه آن زمان را خودشان راه انداخته بودند، گفته بود: «بله همین‌طور است. پایین‌تر از خطی که ما تعیین کرده بودیم نیامدند و تقریباً پنج یا شش روز بود که از فتنه ۱۸ تیر می‌گذشت و ما در دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی که دکتر حسن روحانی دبیری آن را برعهده داشت اظهار داشتیم که نیروی نظامی دیگر خسته شده و نمی‌تواند ادامه دهد، چون پنج، شش روز است که آنها تهران را به آتش کشیده‌اند و باید دیگر سپاه پاسداران و بسیج وارد عرصه شوند که وزیر کشور وقت مخالفت می‌کرد».

**روایت حجابیان**

اما این تنها روایت از ماجراهای ۲۰ سال پیش خیابان‌های تهران نیست. سعید حجابیان، فعال اصلاح‌طلب که آن زمان عضو شورای شهر تهران بود، در گفت‌وگو با فارس ماجرا را روایت کرده و گفته است که سردار صفوی با اب‌طحی تماس گرفته است. حجابیان ماجرا را این‌گونه بیان کرده است: «وقتی دانشجوی‌ها از کوی دانشگاه بیرون آمدند، بین میدان ولیعصر بودند تا حرکت کنند به سوی خیابان آذربایجان، من در آن هنگام دفتر آقای خاتمی بودم. اعضای شورای شهر را برده بودم به کوی دانشگاه تا خرابی‌ها را ببینند و برای بازسازی و اختصاصی بودجه اقدام کنیم، من به‌خاطر این‌کار رفته بودم دفتر خاتمی که آقای صفوی زنگ زد به آقای اب‌طحی و گفت که خط قرمز ما خیابان جمهوری است، هرکسی از این خیابان پایین‌تر بیاید، می‌زнім.

متوجه شدیم که بچه‌های دانشجو دارند رو به پایین حرکت می‌کنند، به من گفتند که بروم با آنها صحبت کنم. رفتم با دانشجوی‌ها صحبت کردم. یک طرف بچه‌های رحیم بودند، یک طرف هم بچه‌های دانشجو، با قسم و آیه و من بمیرم تو بمیری، سر راهیمیایی را کج کردم به سمت کوی دانشگاه و گفتم بروید من هم می‌آیم به کوی، می‌خواهم بگویم می‌شود اعتماد کرد، می‌شود منازعه را خاتمه داد، می‌شود جمعی را که از چارچوب خارج است، به قاعده درآوردم...».

**روایت تاج‌زاده**

مصطفی تاج‌زاده نیز که در آن زمان معاون سیاسی وزیر کشور بود، در مصاحبه با حسین دهباشی دراین‌باره گفته بود: «درباره ۱۸ تیر سه دروغ مشخص گفته شده است: اول اینکه من به دانشجویان گفتم‌ام چرا اینجا آمدید، اینجا شما خودتان است، اما قسمت آخر آن دروغ است. من اساسا معتقدم بزرگ‌ترین

اشتباه دانشجویان خروجشان از کوی دانشگاه بود». دهباشی از او می‌پرسد: «یکی از فرماندهان تماس گرفتند و گفتند خط قرمز ما... است. ظاهرا ایشان با شما تماس گرفتند و شما با موتور به سمت دانشجویان رفتید و مسیر آنها را تغییر دادید». تاج‌زاده پاسخ می‌دهد: «این هم اتهام دومی است که از من پرسیدند و گفتند شما موتور سوار شدید و به سمت دانشجویان رفتید. من آنجا گفتم اگر شما بتوانید ثابت کنید من آن روز سوار موتور شدم، همه حرف‌هایم را پس می‌گیرم...».

ماجرا یی ۷۸ از آن اتفاقاتی است که در مناظره سال ۹۲ ریاست‌جمهوری نیز به آن پرداخته شده بود. همان مناظره‌ای که حسن روحانی خطاب به محمدباقر قالیباف از اصطلاح گازانبر استفاده کرد. قالیباف چند سال پیش در جمع بسیجیان دانشگاه صنعتی شریف درباره اتفاقات آن زمان گفته بود: «حادثه سال ۷۸ که در کوی دانشگاه اتفاق افتاد، آن نامه‌ای را که نوشته شد، من نوشتم [نامه فرماندهان سپاه به رئیس‌جمهور وقت، سیدمحمد خاتمی]. بنده و آقای سلیمانی، وقتی در کف خیابان به سمت بیت رهبری راه افتادند، بنده فرمانده نیروی هوایی سپاه بودم. عکس من الان روی موتور ۱۰۰۰ پا چوب هست؛ با حسین خالقی. استخدام کف خیابان که کف خیابان را جمع کنم. آن جایی که لازم باشد باییم کف خیابان و چوب بزنیم، جزء چوب‌زن‌ها هستیم. افتخار هم می‌کنیم. نگاه نکردم که من، سردار و فرمانده نیروی هوایی هستیم و تو را چه به کف خیابان؟».

تعهد و تخصص و قدرت مدیریت کافی، احتمال رأی‌آوری هم دارد. فرد اصلی را که یقین داریم رأی‌آور نیست، معرفی نخواهیم کرد.»

**اصلح حتما نباید رأی‌آور باشد**

همه اینها در حالی است که سال ۹۳ آیت‌الله مصباح‌یزدی گفته بود: «البته هیچ دلیلی هم وجود ندارد که اگر بنده تشخیص دادم یکی اصلح است، باید حتما زمینه رأی‌آوری هم داشته باشد، چراکه اگر چنین شرطی وجود داشت، سلمان و ابودر نیز نباید از امیرالمؤمنین علیه‌السلام پشتیبانی می‌کردند چون رأی نداشت! گاهی باید فرد اصلح- ولو رأی‌آوری نداشته باشد - مطرح شود تا حداقل مشخص شود هنوز بین مردم اعتقاد و ایمان به اسلام و انقلاب اسلامی وجود دارد. آیا خوب بود از میان کاندیداهای ریاست‌جمهوری هیچ کس حرفی از اسلام و انقلاب ن‌زند و همه به فکر ارزانی اجناس و رفع تحریم‌ها باشند؟ آیا نباید از کسی که ولو رأی‌آوری ندارد، اما دغدغه انقلاب و اسلام را دارد، حمایت کرد؟

وی با تأکید بر اینکه همیشه حمایت از اصلح به معنای رأی‌آوردن وی نیست، افزوده بود: «گاه اگر از چنین فردی حمایت نشود، این پیام به دنیا صادر می‌شود که مردم از انقلاب و ارزش‌های انقلابشان خسته شده‌اند. لذا در چنین مواقعی که هیچ کسی دغدغه انقلاب و اسلام را مطرح نمی‌کند، باید از کسی که از انقلاب حمایت می‌کند، طرفداری کرد. ولو یقین نداشته باشیم که رأی نمی‌آورد، باید برای هر کارمان حجت شرعی داشته باشیم و حجت شرعی نیز از کتاب و سنت و مبانی عقلی مشخص می‌شود».

سیدعباس صالحی افزود: تشکیل شورای حل اختلاف ویژه فرهنگ و رسانه می‌تواند گام بلندی در مسیر تعامل هرچه بهتر قوه قضائیه به‌شمار آید. او تصریح کرد: البته ما منکر تخلفات نیستیم ولی اگر خود وزارتخانه در مسیر برخورد و تماس با تخلفات قرار بگیرد با هزینه کمتری موضوع خاتمه خواهد یافت؛ زیرا شناخت‌های

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این نشست گفت: با توجه به مناسبات ایجادشده بین دستگاه قضا و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی امید می‌رود قضات در موارد مربوط به تخلفات، روش نرم را بر روش سخت مقدم بدانند. سیدعباس صالحی افزود: تشکیل شورای حل اختلاف ویژه فرهنگ و رسانه می‌تواند گام بلندی در مسیر تعامل هرچه بهتر قوه قضائیه به‌شمار آید. او تصریح کرد: البته ما منکر تخلفات نیستیم ولی اگر خود وزارتخانه در مسیر برخورد و تماس با تخلفات قرار بگیرد با هزینه کمتری موضوع خاتمه خواهد یافت؛ زیرا شناخت‌های

#### سخنگوی قوه قضائیه:

## در حوزه رسانه از برخورد قضائی پرهیز شود

در شقوق مختلف آن است و چنانچه تعامل سازنده‌ای از طریق این نشست‌های مشترک ایجاد شود، می‌توان تصویر ارائه‌شده را اصلاح کرد. اسماعیلی اظهار کرد: رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان عالی قوه قضائیه بر همکاری سایر رسانه‌ها با این قوه برای ارائه تصویری مناسب و هنرمندانه از اقدامات صورت‌گرفته تأکید فرمودند. اسماعیلی در ادامه تأکید کرد: به همکاران قضائی تذکر داده شده که در حوزه فرهنگ و رسانه تا آنجا که ممکن است مراتب و موضوعات مدیریت شود که صرفا برخورد قضائی صورت نپذیرد و به نحوی این موضوع منجر به اباحه‌گری نشود.

خبر

#### مقام معظم رهبری رحلت آیت‌الله حسینی‌شاهرودی را تسلیت گفتند

● **بایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:** حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی رحلت فقیه ربانی آیت‌الله سیدمحمد حسینی‌شاهرودی را تسلیت گفتند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است: «رحلت فقیه ربانی آیت‌الله آق‌ای حاج سید محمّد شاهرودی را که از فقهای برجسته‌ی حوزه‌ی علمیه نجف و در سالهای پس از انقلاب ساکن قم بودند، به حوزه‌های قم و نجف و به عموم ارادت‌مندان و شاگردان آن مرحوم و بخصوص به آقا‌زادگان و بازماندگان ایشان و وابستگان و بیت شریفِ والد ایشان مرحوم آیت‌الله‌العظمی شاهرودی از مراجع دوره‌ی قبل در نجف، تسلیت عرض میکنم و علو درجات و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم مسألت مینمایم». گفتنی است در پی رحلت فقیه ربانی، مرحوم آیت‌الله سیدمحمد حسینی‌شاهرودی، مراسم بزرگداشتی از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، شب گذشته بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد اعظم قم برگزار شد.

#### جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور رؤسای ۳ قوه

● **بایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری:** جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی دیروز با حضور رئیس‌ان قوای سه‌گانه و اعضا به ریاست حجت‌الاسلام حسن روحانی تشکیل شد. در این جلسه حوزه‌های مختلف فرهنگی، منابع اجتماعی و ظرفیت‌های فراگیر، اثرگذار و جدیدی که در عرصه فرهنگ و جامعه به وجود آمده است، مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفت. اعضای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در این جلسه همچنین سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای فرهنگی را که باید با توجه به همین زمینه‌ها و ظرفیت‌ها اتخاذ شود، بررسی کردند.

#### جلسه فوق‌العاده کمیسیون امنیت در تعطیلات بهارستان

#### بررسی آخرین وضعیت شیخ زکزاکی

● **شرق:** کمیسیون امنیت ملی مجلس امروز تشکیل جلسه می‌دهد، جلسه فوق‌العاده، به هیئت‌رئیس‌ه جدید، آن هم در روزهای که بهارستانی‌ها در تعطیلات هستند. موضوع جلسه اما باعث شد تا دیروز توجهات بیش‌ازپیش به این خبر معطوف شود؛ بررسی آخرین وضعیت شیخ زکزاکی، به گزارش «ایسنا»، در این جلسه برخی از مسئولان دستگاه‌های مربوطه هم حضور دارند، هرچند نامی از آنها نیامده است. درحالی‌که به نظر می‌رسد غالب اعضای کمیسیون به خاطر برنامه تابستانی در پایتخت حضور نداشته باشند. از سوی دیگر، فقط دو نفر از اعضای کمیسیون امنیت ملی که حالا به خاطر فوت مصاری‌نظری ۲۲ نفره است، نماینده تهران هستند.

**عجله رئیس جدید برای تشکیل جلسه**

تلفن نماینده‌های مجلس که در حوزه‌های انتخابیه هستند، در دسترس نیست. کمال دهقانی، نماینده تفت که از جمله معدود نماینده‌هایی که در دسترس است، دراین‌باره می‌گوید: «کمیسیون می‌تواند جلسه فوق‌العاده بگذارد، اما براساس آیین‌نامه، جلسه با ۱۵ نفر شکل رسمی به خود می‌گیرد. جلسات رسمی کمیسیون نیز با دستور کار و برای رأی‌گیری باید به حد نصاب برسد. این جلسه احتمالا برای بررسی موضوع است و تصمیم‌گیری در آن اتفاق نخواهد افتاد؛ چراکه تصمیم‌گیری و رأی‌گیری در آن منوط به رسمی‌بودن جلسه است». او ادامه می‌دهد که برنامه اکثر نماینده‌ها که در تعطیلات تابستانی هستند این بود که این هفته نباشند.

هیئت‌رئیس‌ه جدید کمیسیون اما گویا توجهی به شرایط ندارد و برای تشکیل جلسه عجله دارد. مجتبی ذوالنور، نماینده قم که در سال آخر به ریاست کمیسیون امنیت رسید، با یک رأی بیشتر از حشمت‌الله فلاحت‌پیشه که سال سوم به ریاست ۱۴ساله علاءالدین بروجردی بر این کمیسیون پایان داده بود. اما نتوانست بیش از یک سال بر صندلی ریاست کمیسیون بنشیند تا جریان نزدیک به پایداری در مجلس به ریاست برسد. حالا کمیسیون امنیت درباره بررسی آخرین وضعیت شیخ زکزاکی جلسه دارد. ابراهیم زکزاکی رهبر شیعیان نیجریه است که از سال ۲۰۱۵ زندانی است. گزارش‌ها حاکی از وضعیت وخیم او در زندان است و پسرش دیروز در نامه‌ای نوشته است: «بر اساس همه آن چیزی که من در هفته گذشته از متخصص پزشکی شنیده‌ام و با قلیبی آکنده از درد می‌خواهم بیان کنم، این است که در این شرایط، تقریباً همه گزینیه‌ها برای حفظ جان ایشان عملا از دست رفته‌اند و هیچ‌چیزی که بشود به آن دل بست، اکنون وجود ندارد! می‌شود گفت پدرم شیخ ابراهیم زکزی را دارند می‌کشند. یک قتل هم‌اکنون در حال انجام و تقریباً رو به پایان است و عاملان مصمم‌اند که این امر اتفاق بیفتد».